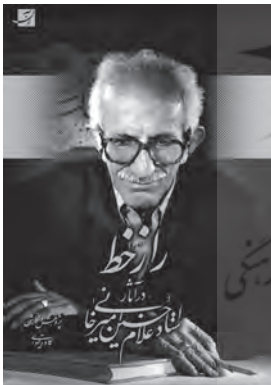


## قله‌ای از طالقان، با قلمی گوهرنشان نقد و معرفی کتاب "راز خط در آثار استاد غلامحسین امیرخانی" از کاوه تیموری

به کوشش احسان‌الله شکراللهی



«کارنامه هنر ایران به گونه‌ای که مستند بوده و باواقعیت‌ها تطبیق داشته باشد و در نتیجه مأموریت و رسالت اصلی خود را که از مؤثر به اثر و از اثر به مؤثر رابطه روشن‌گرانه و تحلیلی داشته باشد و در نتیجه چراغ راهی باشد برای تناور شدن درخت سایه‌گستر ایران و بر فرهنگ و تمدن بشری و تکمیل‌کننده شطرنج زیبایی که هرمهره بر جای خود بنشیند و حق هنر و هنرمند نیز ادا شده باشد، خیلی کم و شاید اصلاً بوجود نیامده است. با این مقدمه کوتاه ارزش کار عزیز هنرمند و هنرشناس، جناب آقای کاوه تیموری روشن می‌شود.» (غلامحسین امیرخانی)

بیست‌وپنجمین نمایشگاه کتاب تهران، شاهد خودنمایی کتاب

گرانسنگی بود در معرفی زندگی و آثار برجسته‌ترین استاد خط شکسته، «درویش عبدالمجید طالقانی»، که از سوی کتابخانه مجلس منتشر شده است.

در بهار سال گذشته نیز اثری ارزنده از هنرمند و پژوهشگر معاصر، آقای کاوه تیموری، با عنوان بررسی زندگی و آثار خوشنویسی غلامحسین امیرخانی چهره برجسته خوشنویسی معاصر، باز هم از خطه طالقان،

۱. این کتاب تألیف کاوه تیموری در بهار ۱۳۹۱، توسط نشر آبان با ۱۱۰۰ تصویر، ۷۰۸ صفحه رنگی و در قطع رحلی بزرگ (۲۴×۳۴)، چاپ شده است.

به بازار نشر عرضه شد که در همان زمان، با استقبال بسیار خوبی مواجه شد و با وجود برخی کوتاهی‌ها و بی‌مهری‌های ناشر، در مدت زمان کوتاهی، تقریباً چیزی از شمارگان دوهزار نسخه‌ای آن باقی‌نماند و با آنکه تعداد اندکی از این کتاب گرانقدر برای نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران در دسترس علاقه‌مندان قرار گرفته بود و حتی نام این کتاب نفیس در لیست کتب منتشره ناشر در نمایشگاه دیده نمی‌شد، از پرفروش‌ترین آثار هنری در نمایشگاه بیست‌وچهارم محسوب شد.

این در حالی بود که مؤلف اثر، از کیفیت چاپ و صحافی، نحوه توزیع و معرفی و تأخیر چندساله در نشر آن راضی نبود و بلافاصله کمر همت را برای ویرایشی اساسی و تکمیل اطلاعات و رفع نواقص و نقایص این اثر ماندگار بست تا نتیجه کار با موضوعی که به آن پرداخته شده، یعنی معرفی یکی از چهره‌های ماندگار هنر کشور، هم‌خوانی بیشتری داشته باشد. این‌گونه بود که اثر جدیدی نه در قالب ویراست دوم، که در شمایل اثری مستقل و جدید با نام نوین و افزوده‌های فراوان پدید آمد: *راز خط در آثار استاد غلامحسین امیرخانی*؛ که موضوع این نوشتار است.

این اثر در واقع مطالعه‌ای تحلیلی درباره زندگی و آثار یکی از خوشنویسان نامدار و صاحب‌سبک در خط نستعلیق است که در نیم‌قرن اخیر، تحولات زیبایی‌شناختی چشمگیری در خوشنویسی کشور به نام او رقم‌خورده و توجه رهروان و علاقه‌مندان بی‌شماری را به اهتمام در پیروی از این سبک، به خود معطوف داشته است.

این اثر ۷۰۷ صفحه‌ای شامل توضیحات مبسوطی درباره زندگی شخصی و سلوک هنری این نابغه هنر و تحلیل بیش از هزار و صد نمونه از خطوط و قطعات خوشنویسی آن استاد و نیز عرض ارادت تعدادی از شیفتگان به هنر و شخصیت ایشان است. نمونه‌های آثار فراهم آمده در این کتاب، علاوه بر جامعیت نسبی و ارائه توصیف و تحلیل، دارای سیر تاریخی بوده و تحولات و تغییرات شیوه استاد امیرخانی در گذر زمان را به نمایش گذاشته است. از این رهگذر، خواننده علاقه‌مند، فرصت می‌یابد که آغاز و انجام یک سلوک هنری در حوزه خوشنویسی را در یک مجموعه منسجم و چشم‌نواز، به نظاره بنشیند و با ظرفیت‌های زیبایی‌شناختی این هنر اصیل، با نمودی امروزین آشنایی بیشتری پیدا کند.

فراهم‌آوری شناخت‌نامه‌ای برای استاد امیرخانی، ضرورتی بود که مؤلف ارجمند از دیر باز به آن می‌اندیشیده و همان‌گونه که در مقدمه اثرش یادآور شده، رگه‌های اولیه این تفکر به سال‌های ۱۳۶۰ تا ۱۳۶۴ بازمی‌گردد که با افتخار شاگردی در کلاس خط استاد امیرخانی همراه بوده است. از آن سال حتی الامکان منابع موجود به تدریج جمع‌آوری شده و بعدها با نگارش نقدها و معرفی کتاب‌های استاد، شناخت نسبی و بیشتری فراهم آمده است. هم‌صحبتی با اصحاب خوشنویسی و آگاهی از دیدگاه‌های این بزرگواران بر غنا و مایه‌ور شدن مطالب جمع‌آوری شده افزوده تا اینکه زمینه برای به‌دست دادن یک مجموعه جامع فراهم گردیده است.

مؤلف این اثر همچنین تأکید می‌کند که فرآیند آغاز تا انجام کار با همراهی استاد، تقریباً یک دوره بیست‌وپنج ساله را دربرمی‌گیرد و در طول این مدت، اکثر اظهار نظرات استاد، مصاحبه‌ها، گفتارها، مقالات

نقد و معرفی کتاب "راز خط در آثار استاد غلام‌حسین امیرخانی" / به‌کوشش احسان‌الله شکراللهی

و نوشتارهای ایشان جمع‌آوری و بهره‌های لازم از آن‌ها اخذ گردیده و به همین موازات، آثار ایشان در نمایشگاه‌ها و کتاب‌های منتشره مورد نقد و بررسی قرار گرفته است.

جناب تیموری که خود از بهره‌مندان خرمین فضل و هنر استاد امیرخانی و از پژوهش‌گران سخت‌کوش معاصر در حوزه تاریخ خوشنویسی و سبک‌های گوناگون آن است، علاوه بر پژوهش‌های جامعه‌شناختی و تربیتی، ی‌دِطولایی در پژوهش هنر داشته و تا کنون در این زمینه، آثار ارزنده‌ای را به جامعه خوشنویسی و پژوهشی کشور عرضه داشته است. در اینجا معرفی برخی از نمونه‌های آثار او برای تبیین میزان اهلیت در ورود به این حوزه، لازم به نظر می‌رسد.

### فهرست برخی از مقالات کاوه تیموری در حوزه خوشنویسی:

۱. نگاهی کوتاه به کتاب خوشنویسی و فرهنگ اسلامی، «کتاب ماه هنر»، دی ۱۳۷۷، شماره ۴.
۲. بررسی و شناخت کشیده‌ها در خط نستعلیق، «کتاب ماه هنر»، دی ۱۳۷۷، شماره ۴، و اسفند ۱۳۷۷، شماره ۶.
۳. نگاهی کوتاه به دو اثر خوشنویسی در شکسته نستعلیق: تاب شکسته و مهر مدام، «کتاب ماه هنر»، اردیبهشت ۱۳۷۸، شماره ۸.
۵. هنر خوشنویسی و حماسه عاشورا «کتاب ماه هنر»، فروردین ۱۳۷۸، شماره ۷.
۶. قرآن و نستعلیق (متنهای معراج هنر خوشنویسی) «کتاب ماه هنر»، شهریور ۱۳۷۸، شماره ۱۲.
۷. تحلیل زیباشناختی یکصد پشت جلد نستعلیق به خط غلام‌حسین امیرخانی «کتاب ماه هنر»، مهر و آبان ۱۳۷۸، شماره ۱۳ و ۱۴.
۸. علل بد خطی دانش‌آموزان ابتدایی «بررسی رسم الخط کتاب‌های درسی در آموزش و پرورش «کتاب ماه هنر»، فروردین ۱۳۷۹، شماره ۱۹.
۹. اثری آموزشی در هنر نستعلیق «کتاب ماه هنر»، فروردین و اردیبهشت ۱۳۸۵، شماره ۹۱ و ۹۲.
۱۰. علل بدخطی دانش‌آموزان دوره ابتدایی «پیوند» اردیبهشت ۱۳۷۹، شماره ۲۴۷.
۱۱. آشنایی اولیاء و مربیان با هنر خوشنویسی «پیوند» بهمن ۱۳۷۲، شماره ۱۷۲.
۱۲. آن پنجه کمان‌کش و انگشت خوشنویس (یادی از استاد حسن دانشفر همدانی) «کتاب ماه هنر»، خرداد و تیر ۱۳۸۶، شماره ۱۰۵ و ۱۰۶.
۱۳. پژوهش در خط نستعلیق، امری سهل و ممتنع (پژوهشنامه خط نستعلیق، میراث جاوید، رحیم سلوتی) «کتاب ماه هنر»، فروردین و اردیبهشت ۱۳۸۶، شماره ۱۰۳ و ۱۰۴.
۱۴. درس‌نامه عرفانی هنر قدسی خوشنویسی (زمینی و آسمانی، نگاهی به خوشنویسی ایرانی، از گذشته تا امروز) «کتاب ماه هنر»، مرداد و شهریور ۱۳۸۶، شماره ۱۰۷ و ۱۰۸.
۱۵. رباعیات خیامی و آمیزه‌های خوشنویسی: نقدی بر خوشنویسی رباعیات حکیم عمر خیام «کتاب ماه هنر»، اردیبهشت ۱۳۸۸، شماره ۱۲۸.

نقد و معرفی کتاب "راز خط در آثار استاد غلامحسین امیرخانی" / به کوشش احسان‌الله شکراللهی

۱۶. نگاهی گذرا به دل‌بستگی‌های معنوی استاد جلال‌الدین همایی به هنر اصیل خوشنویسی «کتاب ماه هنر»، اردیبهشت ۱۳۸۸، شماره ۱۲۸.
۱۷. شعر و انشاء و حسن خط با هم: نگاهی به مضامین خوشنویسی در شعر شهریار «کتاب ماه هنر»، شهریور ۱۳۸۸، شماره ۱۳۲.
۱۸. نگاهی گذرا به احوال و آثار استاد محمد حسین عطارچیان شکسته‌نویس معاصر «کتاب ماه هنر» مهر ۱۳۸۸، شماره ۱۳۳.
۱۹. از سیاه‌مشق‌های پازلی تا سیاه‌مشق‌های شورشی! «کتاب ماه هنر»، آذر ۱۳۸۸، شماره ۱۳۵.
۲۰. مروری بر آثار و احوال زنده‌یاد استاد حبیب‌الله فضایی (خوشنویس نامدار معاصر) «کتاب ماه هنر»، دی ۱۳۸۸، شماره ۱۳۶.
۲۱. هویت فرهنگی و هنر خوشنویسی «کتاب ماه هنر»، فروردین ۱۳۸۹، شماره ۱۳۹.
۲۲. فرهنگ دیرپای هنر خوشنویسی و واژه‌های ماندگار «کتاب ماه هنر»، تیر ۱۳۸۸، شماره ۱۳۰.
۲۳. اقل الکاتبین میرعمادالحسنی (۱۰۲۴ - ۹۶۱ ق) «کتاب ماه هنر»، اسفند ۱۳۸۸، شماره ۱۳۸.
۲۴. در احوال و آثار استاد علی راهجیری خوشنویس و خط‌پژوه گوشه‌نشین «کتاب ماه هنر»، اسفند ۱۳۸۷، شماره ۱۲۶.
۲۵. ارزش‌های تربیتی هنر اصیل خوشنویسی «پیوند» بهمن ۱۳۸۸، شماره ۳۶۴.
۲۶. حجاب شیرازی در ترازوی خوشنویسی میرعماد (۶ صفحه، از ۷۲ - ۷۷) «کتاب ماه هنر»، اردیبهشت ۱۳۸۹، شماره ۱۴۰.
- آنچه آمد، غیر از آثار مستقل چاپی و نیز مصاحبه‌ها و برنامه‌های رادیویی وی است که در صورت ذکر آن‌همه، در قالب نوشته حاضر نمی‌گنجید، اما برای حصول منظور ما، همین میزان کافی است.
- اکنون نظری می‌افکنیم به فهرست مطالب اثر موضوع سخن:**
- «راز خط» در نه فصل اصلی، یک یادداشت، یک دیباچه، یک مقدمه و یک ضمیمه تنظیم یافته است، به این شرح:
- یادداشت استاد امیر خانی؛
- دیباچه به قلم استاد علی شیرازی؛
- مقدمه (شناختنامه خوشنویس معاصر ایران)؛
- فصل اول - محیط خانوادگی، بستر فرهنگی، جایگاه اجتماعی و اندیشه؛
- فصل دوم - سیر و سلوک در وادی خوشنویسی؛
- فصل سوم - کتابشناسی جامع استاد غلامحسین امیرخانی؛
- فصل چهارم - عناوین و قطعات نگاشته شده در مجله هنر و مردم؛
- فصل پنجم - کتابت‌ها، مقدمه‌ها، نثرنوشته‌ها، قطعات و پوسترها، نمونه سرمشق‌ها و تعلیمات و آثار

متفرقه استاد امیرخانی؛

فصل ششم - بررسی شیوه و سبک خوشنویسی استاد امیرخانی؛

فصل هفتم - شگردها و نکته‌های تعلیمی در شیوه استاد امیرخانی؛

فصل هشتم - تحلیل زیبایی‌شناختی روی جلد‌های استاد امیرخانی؛

فصل نهم - جمع‌بندی و ارائه مطالبات و

ضمایم : اشعار شعرا در وصف استاد امیرخانی.

### نمونه خط اسناد

علاوه بر انبوه مطالب و نمونه‌های فاخر از آثار استاد امیرخانی، دو زینت‌بخش دیگر این کتاب، نخست یادداشت مهرآمیزی است به قلم استاد امیرخانی که در طلیعه نوشتار حاضر نیز می‌درخشد و سپس دیباچه‌ای به قلم خوشنویس گرانقدر روزگار ما و یکی از شاگردان ارشد استاد امیرخانی که امروزه در جایگاه استادی، یکی از مروّجان هنر خط است، استاد علی شیرازی جلی‌نویس و کتیبه‌نگار ممتاز، که در مورد جایگاه هنری استاد این گونه آورده است:

«استاد امیرخانی همچون آثارش پاک، صادق و محکم است و شخصیتی صمیمی، عمیق و عارفانه دارد. او در طول سال‌های پربرکت عمر هنری خود از هیچ‌گونه مشقت‌های زمانه نهراسیده و زندگی خود را وقف بالندگی هنر و فرهنگ سه نسل از فرزندان این مرز و بوم کرده است. استاد از پشتوانه افول‌ناپذیر سنت خوشنویسی، فراوان آموخته است، اما در حلقه آن آموخته‌ها محدود نشده و با اندیشه‌ای پویا و نوین، خط نستعلیق را از اقلام خفی تا جلی به جایی رسانده که سرآمد روزگار خود گشته و نام و آوازه خود را نه فقط در ایران، بلکه در سطح جهان اسلام و سایر ملل به یک هنرمند بین‌المللی تبدیل کرده است. ارائه زندگی و تحلیل آثار بزرگان فرهنگ و هنر، بهترین الگو و از خواندنی‌ترین کتاب‌هایی است که هر هنرمند و هنروزی می‌تواند از مطالعه آن لذت‌برده و با گرفتن ره‌نوشته‌های ارزشمند، راه مناسب خود را در سلوک هنری پیدا کند.

در عرصه هنر خوشنویسی، زندگی‌نامه تحلیلی معتبر و متقنی که در زمان حیات هنرمند نوشته شده باشد و خواننده نسبت به صحت نوشته‌های آن آسوده‌خاطر باشد، نادر و دیرپاب است و به‌ویژه در عرصه هنر خوشنویسی، معرفی خوشنویسان، محدود به تذکره‌نویسی است که آمیخته با توصیف صرف و افسانه و انشاءپردازی است و همین امر، خواننده علاقه‌مند را دچار سردرگمی کرده و نهایتاً به مقصود نمی‌رساند. در سالیان اخیر، این‌جانب شاهد تلاش‌های افراد علاقه‌مند بوده‌ام که قصد داشتند زندگی و آثار استاد امیرخانی را به صورت مکتوب یا در غالب فیلم و تصویر منتشر کنند، اما در این راه توفیقی به دست نیاوردند و همگی در میانه راه، کار را رها و به زمان دیگری موکول کردند.

جای بسی خوش‌وقتی است که پژوهشگر و خط‌پژوه روزگار ما، آقای کاوه تیموری، گوی توفیق را از دیگران ربوده و بدین کار بزرگ همت گماشته است و این کتاب را، که جای خالی آن به خوبی احساس

می‌شد، به زیور طبع آراسته و تقدیم تاریخ و فرهنگ این سرزمین هنر خیز کرده‌است». در مقدمهٔ این اثر نیز جناب تیموری در خصوص جایگاه هنر خوشنویسی در دوران معاصر و ضرورت پژوهش در این عرصه می‌گوید: «خوشنویسی معاصر ایران با وجود شرایط اجتماعی و فرهنگی و دور شدن خط به مفهوم کاربُردی آن از متن زندگی اجتماعی در یکی از دوره‌های غنی و سرشار از ابعاد زیباشناختی خود به سر می‌برد. این هنر شریف، حتی در این روزگار که هنر خطاطی عرصهٔ انگیزه‌آفرین و دلچسپی برای عرضه کردن ندارد، در دستان جمع کثیری از عاشقان و دلدادگان همچنان امانت‌داری و آینه‌داری می‌شود». تیموری دلیل این استمرار در سلسلهٔ هنر خط و اقبال عمومی از آن را این می‌داند که خوشنویسی فی‌نفسه یکی از ارکان و استوانه‌های فرهنگ ایران است و حفظ و بقای آن به همین دلیل ذاتاً تضمین شده است. وی همچنین به لحاظ کمیت و کیفیت و ارزش‌های بصری و هنری خط، دورهٔ فعلی را یکی از عالی‌ترین ادوار هنر خوشنویسی در طول تاریخ می‌داند، به طوری که این ویژگی با توجه به ناسازگاری شرایط و رخت بریستن کاربُردی هنر خط دارای ارزش مضاعفی می‌شود، زیرا بُعد هنری این خط، فلسفهٔ ماندگاری آن را تضمین کرده و همین نکته است که ظهور چهره‌های سرآمد هنر خوشنویسی را میسر ساخته و لذا شناخت منزلت و جایگاه و قدر آنها را بر اهل هنر، امری واجب و ضروری نموده است».

در فصل اول این اثر، محیط خانوادگی، زمینهٔ فرهنگی، پایگاه اجتماعی و اندیشهٔ استاد امیرخانی بررسی شده و ارتباط بسترهای اجتماعی، فرهنگی و فکری به عنوان عوامل مهم و تأثیرگذار با هنر خوشنویسی وی، مورد توجه واقع شده است.

فصل دوم به سیر و سلوک امیرخانی در وادی هنر خوشنویسی اختصاص دارد؛ امری که بیش از هر چیزی می‌تواند به عنوان الگو و راهنمای عملی از سوی نوجوانان و جوانان کشورمان مورد توجه قرار گیرد. مؤلف در فصل سوم به توصیف و تحلیل آثار استاد امیرخانی در آیین کتاب‌ها و مرقعات وی پرداخته و با توجه به اهمیت هر اثر و میزان تأثیرگذاری آن، مختصات آن را برشمرده است.

در فصل چهارم، هفده سال فعالیت خوشنویسی استاد امیرخانی از آذر ماه ۱۳۴۱ تا آبان ماه ۱۳۵۷ در آیین عناوین مقالات و قطعات چاپ شده در مجلهٔ هنر و مردم بررسی شده و سیر و سلوک و مراحل رشد تدریجی قلم استاد را به نمایش می‌گذارد.

تیموری در این بررسی معتقد است: «فرم کلی عناوین و چینش حروف و کلمات در آنها به گونه‌ای است که بالاترین حد استقلال را در شکل دهی نهایی به دست می‌دهد، به طوری که هر «عنوان» در حکم یک کتیبه یا یک تابلوی مستقل، چشم‌نوازی می‌کند.

مؤلف در فصل پنجم، به کتابت‌های موردی، مقدمه‌ها، مقاله‌ها، نثر نوشته‌ها، قطعات، پوسته‌های خط و آثار متفرقهٔ خوشنویسی استاد امیرخانی نگاهی توصیفی دارد و ابعادی دیگر از خوشنویسی ایشان را به نمایش می‌گذارد. در این فصل همچنین تعدادی از مقدمه‌ها، نقدها و تحلیل‌های استاد امیرخانی در مورد خوشنویسان متقدم و معاصر ذکر شده که شامل اظهار نظرات فنی و هنری ایشان در مورد شیوهٔ خوشنویسی آنهاست. در واقع از این منظر اطلاعات سودمندی از دیدگاه یکی از استادان طراز اول در اختیار علاقه‌مندان

قرار می‌گیرد؛ یعنی مطالب افزون بر ارزش هنری و به نمایش گذاشتن نمونه‌هایی از کتابت استاد، در بردارنده نکات تحلیلی قابل توجهی است که به ارتقاء سواد بصری خوشنویسان و علاقه‌مندان خط، کمک شایانی می‌کند. اظهارنظرهای استاد درباره متقدمانی چون میرعماد، وصال شیرازی، کلههر و معاصرانی چون استاد حسین میرخانی، استاد علی‌اکبر کاوه و نسل پسین آنها مثل استاد واشقانی، استاد کابلی، و حتی نسل سپسین آنها مثل استاد شیرازی به تدوین چهارچوبی از موازین نقد در خوشنویسی معاصر مدد می‌رساند؛ همچنین این مطالب در حقیقت به درک و فهم فعالیت انجمن خوشنویسان و نقش و کارنامه استاد امیرخانی در سال‌های تصدی بر این نهاد تعلیمی و فرهنگی، کمک می‌کند.

دلیل گنجاندن این بخش به کتاب را جناب تیموری این‌گونه توضیح می‌دهد: «اظهار نظرهای فنی استاد درباره خط و شیوه نگارش خوشنویسان قدیم و جدید، محور عمده‌ای برای ترویج دانش و اطلاعات کیفی هنر خط‌قلمداد می‌شود. در واقع در ورای خط و نگارش هنرمندانه آنها، خواننده مستعد با محتوایی ارزنده جهت ارتقاء دانش خوشنویسی خود روبرو می‌شود و از این حیث خود را بهره‌مند و خرسند می‌یابد که از منظری عمیق و نگاهی کارشناسانه به مطالب مؤثر و مفید دست یافته است.

مؤلف یادآور می‌شود که «همین ویژگی به نوعی دیگر در مضامین قطعات خوشنویسی استاد امیرخانی خودنمایی می‌کند، به گونه‌ای که سطح بالایی مضامین و در بند نبودن خوشنویس برای یافتن اشعاری که فقط در نگارش زیبا جلوه کنند، باعث شده که علاوه بر زیبایی در فرم و اجرا، نگرنده با مضامین والایی روبرو شود و همین قطعات گواه می‌دهد که امیرخانی خوشنویسی معناگراست و از این منظر، خط برای او وسیله‌ای برای انتقال اندیشه و تغییر نگرش در خواننده است. کاری که فقط از خوشنویسانی بر می‌آید که توانمندی تکنیک را در کنار فهم عمیق از دانش خط و ادبیات فارسی، در خود جمع کرده باشند».

مؤلف در فصل ششم با توجه به ارائه آثار در فصل چهارم و پنجم، سعی بر این داشته که شیوه و سبک خوشنویسی استاد امیرخانی در خط نستعلیق را بر اساس مؤلفه‌های اصلی و مشخص، مورد تحلیل و بررسی فنی قرار دهد تا از این طریق، شمایی از شیوه مخصوص استاد عرضه شود.

در این کتاب به شناخت ساختمان هنری و بنیان خط استاد امیرخانی در آیینة تاریخ و زمان نگارش، توجه ویژه‌ای شده است. اگر قائل باشیم که میوه‌ها و ثمره‌های یک نظام هندسی خوشنویسانه هنوز از ریشه‌های اولیه خود آبیاری و تغذیه می‌شود، به اهمیت نگاه تاریخی در آفرینش هنری پی خواهیم برد.

به کمال رسیدن خط استاد امیرخانی با عبور از نگارش خطوطی معمولی و تکامل و تقویت تدریجی و در نهایت انسجام و یافتن کیفیت از مواردی است که در چند روند به شکل کامل ارائه شده است.

به عنوان مثال، عناوین و قطعات مندرج در مجلات هنر مردم، سیر تحول خطوط آغازین را تا کمال یافتگی آنها پیش روی بیننده تیزبین قرار می‌دهد. این نمونه‌ها در واقع فشرده شدن یک دوره زمانی از سلوک هنری سی ساله استاد را که اوج هنر نستعلیق ایرانی را در قلم خود تجربه کرده است، ارائه می‌دهد. به همین‌سان با هر مرور تاریخی مشخص می‌شود که عشق کاتب تا چه پایه در قوام و ماندگاری اثر او راهگشا بوده است.



این ویژگی در سیر تاریخی «قطعات خط» و «عنوان نوشته‌های» استاد امیرخانی تکرار می‌شود و در حقیقت علاوه بر دست‌یابی بیننده‌ی اهل تأمل به راز و رمزهای آن، ارزش و عیار و مرتبه‌ی کیفی خط استاد را نمایان می‌سازد. در عین حال آثار مندرج در کتاب، در حالت نهایی خود یک نمودار است که در آن یک منحنی به حرکت درآمده که نقطه‌ی آغازین این منحنی، رشد و نمو ابتدایی هنرمند خوشنویسی است که آرام آرام اوج می‌گیرد، به بلوغ می‌رسد و از بلوغ راه کمال را می‌سپارد و سپس به اوج پر می‌کشد و در نهایت با گذر از یک دوره‌ی پنجاه ساله، به خطی پخته دست می‌یابد.

مؤلف ریزبین و کاربلد در ارائه‌ی قطعات استاد در این کتاب فاخر، یک تعمد هنرشناسانه به کاربرده و آن قراردادن قطعه‌های واحد با اجرای چندباره در زمان‌های مختلف است. این تکنیک ساده، مقایسه‌ی تغییرات کمی و کیفی خط را به وضوح عیان می‌سازد و به همین‌سان، راه را برای درک تحولات کیفی در یک مطالعه‌ی تطبیقی هموار می‌کند.

کتاب *راز خط در آثار استاد غلامحسین امیرخانی* آثار این بزرگ‌مرد عرصه‌ی فرهنگ و هنر را از سال ۱۳۴۱ - ۱۳۸۸، یعنی تقریباً یک دوره‌ی پنجاه‌ساله، در بر گرفته و از این جهت با لحاظ‌کردن توصیف و تحلیل آثار، این امکان را به دست داده که علاقه‌مندان خوشنویسی بتوانند در یک مجموعه، تمام دوره‌های هنری استاد را در آیینۀ آثار ملاحظه‌کنند و قانون‌مندی هنری حاکم بر سلوک یک خوشنویس برجسته و پیشرو را از آن استخراج نمایند.

این کتاب از تحلیل بی‌بهره نیست، اما به‌واقع ماده‌ی اولیه‌ای از آثار کیفی استاد در آن فراهم آمده که دست‌مایه‌ای برای حرکت آغازین تحقیقات و ارائه‌ی تحلیل‌های جدی‌تر است، زیرا بر اساس آنچه در مقدمه‌ی این اثر آمده، تجربه‌ی خود نگارنده بعد از نگارش کتاب این بوده که هر بار که این اثر را از آغاز تا پایان تورق کرده، باب‌های تازه و نکات جدیدی را دریافته. این نکته نشان‌دهنده‌ی آن است که بررسی تکوینی و همه‌جانبه‌ی خط استاد که این امکان در کتاب فراهم آمده، به مثابه‌ی چاهی است که با کمی حفاری به آب خواهد رسید و به‌طور حتم اهل هنر و خط‌پژوهان از این مجموعه افزون بر مطالب کتاب، نکته‌های تازه‌ی تحلیلی ارائه خواهند داد.

در مورد جمع‌آوری قطعات پراکنده و تجمیع آنها در کتاب و به‌دست دادن یک مجموعه‌ی منظم تاریخی، نگارنده‌ی این اثر، زحمت قابل توجهی را متحمل شده است.

این قطعات علاوه بر نشان‌دادن دایره‌ی گسترده‌ی هنری استاد، فرصتی است برای ارزیابی کیفی آنها و اینکه استاد در زمان‌های کوتاه و فرصت‌های محدود، چگونه این نیاز را به خوبی پاسخ داده‌اند.

مؤلف می‌گوید وقتی برخی از آثار چاپ شده در کتاب را با استاد امیرخانی مرور می‌کردیم، دیدن دوباره‌ی آنها برای استاد بسیار جالب بود و ایشان ادعان می‌نمود از هیچ‌کدام از این آثار - نه اصل و نه چایی - نمونه‌ای ندارند و وقتی از ایشان جویا می‌شدم که چرا نسخه‌ای را در نزد خود نگه نداشته‌اید، پاسخشان نکته‌ای درس‌آموز بود و آن اینکه «فقط به هدف متعالی و دستیابی به آن نقطه‌ی اوج فکری کردم! مانند کسی بودم که به عزم قله، دشت‌ها، چمن‌زارها و دامنه‌های پایین‌دست را نمی‌بیند، لذا هیچ‌گاه درصدد



نگهداری نمونه‌ای از کارها برنیامدم».

از این بُعد خوشبختانه این کتاب، نمایی از آثار را برای دوستداران هنر خط، نمایان ساخته است که به‌ویژه نسل جدید از لذت بصری آنها بهره‌مند می‌شود.

فصل هفتم این کتاب به مهم‌ترین شگردها و نکته‌های تعلیمی استاد امیرخانی اختصاص یافته؛ دو مبحث مهمی که عوامل ترویج و گسترش وسیع این شیوه را به خوبی تبیین می‌کند و تلاش شده که از راز و رمز دایره گسترده تأثیرگذاری شیوه استاد، پرده‌برداری شود. این بخش برای نسل خوشنویسان بعد از انقلاب و شاگردان استاد، بسیار خاطره‌انگیزه است و یادآور سلوک معنوی آنها در وادی خوشنویسی خواهد بود.

تیموری می‌نویسد: «هنرجویان جسور دیروز در مکتب امیرخانی، استادان سرشناس امروزند و از برکت توشه‌آموزی در آن کلاس‌ها، به بالندگی و استغنای لازم در هنر خط دست یافته‌اند. به همین‌سان مرور فصل شگردها و نکته‌های تعلیمی، یادآور حافظه جمعی و خاطرات ناخودآگاه بسیاری از خوشنویسان کشور است که سلوک خط را با استاد امیرخانی آغاز کردند و مرور این خاطرات، ارزش لحظات زیبای آن زمان را در ذهنشان تداعی می‌کند، هنرجوی دیروزی که امروز یک کاتب تمام‌عیار شاهنامه یا مثنوی معنوی است، به راحتی شأن و منزلت معلم نخستین خود را در می‌یابد که چگونه در پرورش شاگرد توفیق داشته و تمام این‌ها از باقیات الصالحات استادی است که در ارائه نکته‌ها و شگردهای تعلیمی خط چون معلمی دلسوز از هیچ تلاشی فروگذار نکرده است».

در فصل هشتم، مؤلف مجموعه‌ای از آثار ناشناخته استاد، یعنی روی جلد‌ها و آرم‌نوشته‌های وی را که در ظرف زمانی نزدیک به چهار دهه تحریر شده‌اند، مورد توجه و تحلیل قرار داده و در واقع این بخش از مطالعه از لحاظ پی‌گیری و جمع‌آوری آثار، حداقل در مطالعات خوشنویسی، سابقه نداشته است.

در فصل نهم، جناب تیموری ضمن جمع‌بندی فصول گذشته، نتیجه و چکیده کار و تحلیل نهایی همراه بررسی مطابقت‌ها را عرضه نموده است.

در بخش ضمایم نیز اشعار تنی چند از شعرا از جمله خود مؤلف و نیز نگارنده این معرفی در وصف هنر و شخصیت استاد امیرخانی گردآمده و یک نقاشی از چهره استاد نیز به قلم استاد جواد بختیاری بدان منظم گردیده است. در کتاب موضوع سخن، سعی شده حاصل این مطالعه درازآهنگ در چند بُعد بررسی شود:

## الف - کیفیت زیباشناختی آثار استاد

تیموری معتقد است «مطالعه دقیق و واکاوی آثار استاد امیرخانی نشان می‌دهد آن دسته از آثاری که به شکل طبیعی و برای تعلیم هنرجویان و علاقه‌مندان تحریر و تنظیم شده‌اند، آثاری موفق و ممتازند. در این آثار تمام اقلام خوشنویسی از کتابت تا کتیبه حضور دارند و به همین‌سان در یک قطعه، شماری از قالب‌های سطر، دو سطر، ترکیب‌بندی و نستعلیق دفتری حضور دارد و مخاطب خود را با یک مجموعه روبرو می‌بیند که هرچیز در جای خود به پردازش نهایی صفحه کمک کرده است. نسبت بین اندازه‌های هر قلم با سایر قلم‌ها نیز به چشم‌نوازی آن کمک شایانی نموده و تمام این موارد نشان می‌دهد که در اجرای

حروف و کلمات و ترکیب‌بندی و چیدمان آنها، در اندازه‌های مختلف و قالب‌های متفاوت آثار خلق شده، نقصان هندسی محسوس، قابل ردّیابی نیست، و این آثار به‌ویژه آثار دوره دهه شصت، همچنان با یک گیرایی خیره‌کننده، مخاطب را به مشق و تمرین از آنها دعوت می‌کند.

ارزش کار استاد امیرخانی و جامعیت منحصربه‌فرد ایشان از آن جهت قابلیت اعتنای بیشتری دارد که تاریخ خوشنویسی سه دهه گذشته تأثیرگذاری ایشان را در آینده بهتر نمایان خواهد ساخت. وقتی به مرور کارنامه خوشنویسان صاحب‌نام امروز و شاگردان دیروز استاد امیرخانی می‌پردازیم، درمی‌یابیم که با وجود این همه خوشنویس عاشق، تجربه، شیوه و توانایی ایشان تا این لحظه تکرار ناشدنی بوده است. هر کدام از شاگردان زبده با وجود اینکه الگوی هنری منحصربه‌فرد استاد، کریمانه پیش روی آنها بوده، تنها وجهی از مکعب هنری ایشان را در آثار خود منعکس کرده‌اند و حتی خلاقیت و دمیدن روح فردی و فردیت هنرمندانه آنها در کالبد خط در مرحله‌ای پایین‌تر از آثار طراز اول استاد امیرخانی قرار می‌گیرد و این نکته‌ای قابل تبیین است و با ارائه آثار و مقایسه‌های منطقی می‌توان آن را از یک فرضیه اولیه به رهیافتی اثبات‌شده تبدیل کرد. هدف تیموری از طرح این موضوع، فقط درصدرنشانیدن شیوه و قطعات منحصر بفرد استاد امیرخانی نیست. بلکه دریافت ارزش و اهمیت شیوه‌ای است که مشحون از ویژگی‌های زیباشناختی است و هرگز کم‌توجهی به ارزش کار سایر خوشنویسان و دودچراغ خورده‌های این عرصه نبوده است. اما به زعم وی اگر یکی از معیارهای اساسی در ارزیابی جایگاه یک خوشنویس، جامعیت آن باشد، باید به این نکته اذعان داشت که سبک امیرخانی از جامعیتی برخوردار است که این جامعیت و معدل نهایی در آثار شاگردان و پیروان وی هنوز شکل نگرفته است. تیموری در تبیین این اندیشه چنین می‌نویسد:

«استاد سبزه‌کار، استاد بختیاری، استاد فلسفی، استاد شیرازی و ... در مرحله اول، استاد رسول مرادی، استاد ستّارپور، استاد محمدعلی قربانی، استاد غلامی و ... در مرحله دوم، و در مرحله سوم مجتبی سبزه، حسین صالحی و شماری دیگر از خوشنویسان در نزدیکی و در توسعه دادن شیوه و شیگرد استاد، اهتمام ویژه‌ای داشته‌اند. خوشنویسان مطرحی چون بختیاری و شیرازی با توسعه جلی‌نویسی و مُقَطَّع‌نگاری، این قالب را به عنوان یک شیوه نمایشگاهی تثبیت و ترویج کردند و حتی استاد شیرازی به عنوان یک قلم تخصصی آن را برگزید. در عین حال از قالب مهمی چون چلیپانگاری و کتابت به عنوان زیربنای خط نستعلیق به علت دل‌مشغولی‌های دیگر و شرایط خاص اجتماعی و فرهنگی فاصله گرفتند.

استاد فلسفی نیز آن قدر که در کتابت توفیق یافت، در جلی‌نویسی فقط به تجربه کردن پرداخت و آثاری درجه دو از خود به یادگار نهاد. سایر خوشنویسان هم‌شیوه نیز در نظیره‌نویسی در چلیپا یا سیاه‌مشق، همت خود را مصروف داشتند، اما در آنها نیز به‌رغم خلق آثار زیبا و فاخر، جای آن جامعیتی که به‌ویژه در دهه شصت در قلم امیرخانی شاهد بودیم، خالی ماند و این همان ویژگی بارزی است که جامعیت و قابلیت و توان شیوه استاد را بر ملا می‌سازد.»

تیموری در نهایت، جامعیت استاد امیرخانی را با جامعیت میرزاغلامرضا اصفهانی (۱۳۰۴-۱۳۴۵) قابل مقایسه می‌شمارد که البته برای آن باید ملاحظات و استدلال‌های لازم را به بحث نهاد.

## ب - امیرخانی در گذر تاریخ

مؤلف راز خط ظهور و بروز شیوه خوشنویسی استاد غلامحسین امیرخانی در خط نستعلیق را در یک نگاه تاریخی در زمره چندین قله مرتفع این هنر اصیل به شمار می‌آورد و می‌گوید: از زمان تکوین هنر خوشنویسی به همت میرعلی تبریزی (ف ۸۵۰ هـ.ق) در نیمه دوم قرن هشتم قمری، و کوشش تکمیلی صدساله سلطانعلی مشهدی (۸۴۱-۹۲۶ هـ.ق)، در قرن دهم، نوبت به مرتفع‌ترین قله هنری این خط یعنی میرعمادالحسنی (۹۶۱-۱۰۲۴ هـ.ق) می‌رسد که از او به نام «ویراستار اصلی» خط نستعلیق نام برده می‌شود و از این مقطع زمانی، هر خوشنویس مطرحی در سایه‌سار هنر او قرار گرفته است.

تیموری اضافه می‌کند: مطالعه تأثیرات پدیده‌های اجتماعی در یک مقطع تاریخی، همچون چاپ سنگی، ما را به یکی دیگر از قله‌های این هنر هدایت می‌کند که میرزا محمدرضا کلهر (۱۲۴۵-۱۳۱۰ هـ.ق) در رأس آن قرار دارد.

مرحوم کلهر در تحول ساختاری خط نستعلیق منطبق با نیاز زمان کوشش کرد و نظم هنری نوینی را با در نظر داشتن روح و شاکله اصلی خط نستعلیق بنیان گذاشت. از آن تاریخ، ظهور سرآمدانی دیگر چون میرزا غلامرضا اصفهانی (۱۲۴۶-۱۳۰۴ هـ.ق) با آن جامعیت مثال‌زدنی و محمدحسین خان عمادالسیفی ملقب به عمادالکتاب (۱۲۴۰-۱۳۱۵ هـ.ش) در واقع آخرین فصل تاریخ خوشنویسان بزرگ و متقدم ایران را شکل می‌دهند. با سپری شدن این دوره میراث هنری آن بزرگان طی یک رشته تاریخی - که هرگز گسستی در آن به وجود نیامده - به خوشنویسان معاصر منتقل شد و در این بین باید از قله‌های معاصر مانند استاد سیدحسین میرخانی (۱۲۸۶-۱۳۶۱ هـ.ش)، و استاد سید حسین میرخانی (۱۲۹۱-۱۳۶۹ هـ.ش) نام ببریم که همت و سخت‌کوشی آنان، به ویژه در عرصه تعلیم خط، به تربیت نسلی از شاگردان مبرز در دهه‌های سی تا پنجاه منجر شد که بار امانت میراث خوشنویسی را به نسل بعدی منتقل کردند.

در این مقطع، تحول چشمگیر اجتماعی و فرهنگی و سیاسی انقلاب اسلامی موجب شد که در دهه شصت، هنر خوشنویسی، یکی از دوره‌های پرتطرفدار خود را سپری کند. در این مرحله یکی از سرآمدانی که تبلور خیره‌کننده‌ای در هنر خوشنویسی یافت، استاد غلامحسین امیرخانی است که شش دهه با خوشنویسی انس مداوم داشته و عیار، کیفیت و اجزا، ویژگی‌های فنی و اجرایی تازه کلمات، مهندسی حروف و از همه مهم‌تر حسن ترکیب و نظام هندسی در ساختار هنری خط نستعلیق ایشان، مجموعه‌ای است که می‌توان ردپای تاریخ خوشنویسی معاصر و گذشته را در آن یافت و به تحلیل و بررسی آناتومی و راز و رمز درونی آن پرداخت. از همه مهم‌تر، تکرار تجربه تاریخی شاگردپروری استاد حسین میرخانی، توسط استاد امیرخانی به تربیت نسلی جدید از شاگردان در عرصه خط منجر شد که مروج شیوه امیرخانی بوده و هستند و در واقع دیگر نمی‌توان در یک بررسی مستند فقط سخن از خط استاد امیرخانی به میان آورد، بلکه این شیوه در حقیقت بخشی ماندگار و تأثیرگذار از تاریخ هنر خوشنویسی کشور ماست که تحلیل صحیح آن در خصوص زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی و دامنه نفوذ آن در سطح جامعه و گستره وسیع آثار آن ضرورتی انکارناپذیر است. از آنجا که آثار خوشنویسی با قلم استادی طراز اول، مانند استاد امیرخانی، یک بار آفریده می‌شوند و

امکان تکرار آنها وجود ندارد، جناب تیموری نتیجه می‌گیرد که دستاورد هنر ایشان امری بی‌همتاست و از آنجا که استاد در گذر نیم قرن فعالیت هنری به کشف دیدگاه تازه‌ای در خوشنویسی معاصر نایل شده است، ضرورت داشت که بررسی جامعی در حد توان، به سلوک هنری و تلاش وی اختصاص یابد، زیرا بی‌تردید، همراه استاد امیرخانی، رهروان دیگری نیز بوده‌اند که از لحاظ حجم زیاد کار و صرف وقت، در حوزه کتابت و هنر خوشنویسی از خود تلاشی درخور نشان داده‌اند.

در عین حال، استاد امیرخانی، علاوه بر کار زیاد، خلاقیت نیز داشت؛ به طوری که با مطالعه روش کار ایشان، در چهل سال گذشته، به راحتی می‌توان دریافت که هر شب را با آموختن نکته‌ای تازه در هنر پررمز و راز خوشنویسی به پایان برده‌اند و هر روز را با سؤال تازه‌ای در خصوص گره‌های خط آغاز کرده‌اند. در نهایت، نتیجه سال‌هایی که ایشان مانند عاشقی بی‌قرار با مونس خود، خوشنویسی، به سر برده‌اند، این بوده که به تدریج و تائی، پاره‌ها و پرتوهایی از حقیقت و حکمت خوشنویسی را دریابند که به زعم مؤلف، حداقل در پنجاه سال گذشته سابقه‌ای برای آن نمی‌توان یافت.

اگر پژوهش‌های درازآهنگ و مفصل اما چاپ نشده به سرپرستی آقای دکتر قلیچ خانی و برخی مطالعات پراکنده موردی را استثنا کنیم، باید اذعان داشت که مطالعات در حوزه خوشنویسی، از سطح سرگذشت‌نگاری و تذکره‌نویسی خوشنویسان فراتر نرفته و به همین دلیل در عرصه توصیف و تحلیل هنوز راه‌های طی نشده‌ای پیش روی محققان قرار دارد؛ لذا در این کتاب سعی شده که از سبک و سیاق پیشین فاصله گرفته شود و تا حد ممکن با نگرشی جامعه‌شناسی زندگی هنری و آثار استاد امیرخانی ارزیابی و تحلیل شود، تا شاید از این طریق در بُعد نظری و دانش خوشنویسی حرکتی صورت گیرد.

### ج - جرئت و جسارت در آفرینش‌های تازه

از نظر تیموری، نکته مهمی که آثار استاد امیرخانی را از سایر آثار جدا می‌کند، جرأت و جسارت استاد در ایجاد تغییرات و اجراهای هوشمندانه است. بیننده تیزبین درمی‌یابد که در نهایت این ویژگی‌ها، در جهت قوی شدن ترکیب‌بندی یا قطعه مورد نظر صورت گرفته و صرف جلب توجه یا عوامل دیگر، در آن راهی ندارد. به عنوان نمونه روی جلد چاپ پیشین این کتاب که به قلم خود استاد است، با تکرار سه نقطه در کنار هم ملاحظه می‌شود که استاد سه نقطه اول را رشید و در کانون توجه و تقارن قرار می‌دهد و سه نقطه دیگر را با اندازه همان قلم اجرا می‌کند و به همین‌سان از گذاشتن حرکت «مد» روی حرف «ر» پروایی ندارد. تیموری در این اثر معتقد است جسارت هوشمندانه استاد همواره به ارتقاء زیبایی در کارش انجامیده و به همین‌سان موجب شده دایره و میدان هنری خط نستعلیق او وسیع‌تر گردد.

تیموری باور دارد که کار امیرخانی در آفرینش هنری تقلید نیست، حُسن انتخاب است، چرا که او در خط به عنوان یک مجموعه از حروف و کلمات تکراری، با حُسن ترکیب و رقص موزون کلمات، حالات خوشایند گوناگونی را فراهم می‌آورد که به واقع حاصل آفرینش ترکیبات تازه است. حروف و کلمات در ترکیبات مانند بلور درخشان و خوش‌تراش‌اند. میدان هنرنمایی استاد علاوه بر مایه‌وری از فرهنگ و ادب

فارسی، به قالب خاصی منحصر نیست و قالب‌های کتابت، چلیپا، قطعه، ترکیب‌بندی یا مُقَطَّع‌نگاری در آثار ایشان با ویژگی‌های جنّیایی و حرکت دیده می‌شود.

تیموری با مطالعه کامل مجموعه خصوصی استاد امیرخانی که به سازمان اسناد سپرده شده، دریافت که او از هر قطعه و از هر حرکت و اجرای کامل آثار قدما الهام‌گرفته و سیمای مفردات خود را به مرور اصلاح و کامل کرده است. تیموری می‌گوید: «به نظر می‌رسد صاف نوشته‌های استاد به‌ویژه در دهه پنجاه بیشترین تأثیر را از صافی یکی از قطعات نادر میرحسین ترک (۱۲۳۶-۱۲۹۷ هـ.ق) اخذ کرده باشد یا کرسی خط استاد امیرخانی به‌ویژه در چلیپا متأثر از شیوه خوشنویسی قاجار با دور و کمائی آرام در سطر همراه است که بیشترین تعادل بر مدار این سطر دایر می‌شود. وجود همین کرسی است که موجب می‌شود اجزای خط به هم پیوسته باشند و شکستگی در آنها راه نیابد».

اسناد امیرخانی در سالیان مطالعه و ممارست با قطعات قدما مانوس بوده و دست‌نوشته‌های مدادی زیادی از ایشان در پشت قطعات شخصی وی دیده می‌شود که در توصیف یا مرتبه خوشنویس آن به نگارش درآمده است. در پشت قطعه‌ای آمده: «در سال ۱۳۴۷ به قیمت ۶۰۰ ریال خریداری شد.»

### د- امیرخانی، از تأثیر شیوه تا تغییر شیوه

به اعتقاد مؤلف، شیوه خط استاد امیرخانی از دوران آموختن و پس از آن در زمان رسیدن به ملکه خط و سبک شخصی، تا دوران آموزاندن و انتقال شیوه خاص خود، دگرگونی‌هایی یافته و در مجموع سیر صعودی داشته است. او در این باره چنین می‌نویسد:

«از سال‌های ۱۳۴۱ و ۱۳۴۲ تأثیر پذیری شیوه استاد حسین میرخانی در سبک و نگارش استاد امیرخانی مشهود است و این تأثیر تا سال ۱۳۴۵ با استاد همراه است، به طوری که قوت قلم استاد حسین به‌ویژه در کشیده‌های تخت از امتیارات خط امیرخانی است. استاد حسین میرخانی در سطری که به عنوان سرمشق برای امیرخانی جوان نوشته بود، با وسواس زیاد، تمام اجزای آن را نقطه‌گذاری کرده و تمام ظرایف و نکات ریز و اندازه‌های لازم را برای وی مشخص کرده بود.

از سال ۱۳۴۶ در آثار امیرخانی، نشانه‌های تفاوت با شیوه استاد حسین آشکار می‌شود، اما هنوز به ظهور و ثبوت نرسیده است. وی از خطوط نرم روان و پردور استاد حسن نیز تأثیر پذیرفته. در عین حال از پایان همین سال، شیوه نگارش استاد به مرحوم کلهر گرایش پیدا می‌کند و صعودهای قوی در مؤلفه‌ها و اقتباس از کرسی‌بندی‌های کلهر در آثار استاد قابل رؤیت است.

تیموری در یک تقسیم‌بندی اصولی، دوره‌های زیر را به عنوان سیر تکاملی و تحولی در شیوه خط استاد امیرخانی برمی‌شمارد:

دوره آموزشی ۱۳۴۱-۱۳۳۸؛

دوره تجربه‌اندوزی ۱۳۵۲-۱۳۴۲ پُرکاری در کتابت (کتاب ده جلدی طلعت حق)، انتهای دوره اخذ

گواهینامه استادی؛

نقد و معرفی کتاب "راز خط در آثار استاد غلامحسین امیرخانی" / به کوشش احسان‌الله شکراللهی

دوره کمال‌یافتگی ۱۳۵۸-۱۳۵۳، انتهای دوره کتابت اول ترجیع‌بند هاتف.

و بالاخره:

دوره خلق آثار ۱۳۸۸-۱۳۵۸ انتهای دوره به بارنستن شیوه تلفیقی.

### ه - انتخاب به عنوان اولین چهره ماندگار در هنر خوشنویسی

از جمله مطالبی که در این کتاب بدان پرداخته شده رتبه‌های برجسته‌ای است که استاد امیرخانی طی دهه اخید حائز شده‌اند، از جمله این که در سال ۱۳۸۱ در دومین همایش چهره‌های ماندگار استاد امیرخانی در خط نستعلیق همراه با شادروان آیت‌الله نجومی در رشته فقه و خوشنویسی (خط ثلث) برگزیده شدند. ایشان در عرصه خوشنویسی نستعلیق اولین کسی است که مرتبه هنری چهره ماندگار را کسب کرد. البته در سالیان بعد چهره‌های مبرزتری چون استاد عباس اخوین، استاد جلیل رسولی (۱۳۸۲)، استاد عبدالصمد حاج‌صمدی (۱۳۸۲)، استاد محمد احصایی (۱۳۸۳)، استاد کیخسرو خروش (۱۳۸۴)، استاد یدالله کابلی (۱۳۸۵) و استاد نصرالله افجه‌ای (۱۳۸۷) نیز به این مرتبه نائل گردیدند.

کسب نشان دانش (۱۳۸۸) از دیگر افتخارات ایشان است، و تمام این عوامل شهرت و آوازه قابل توجهی را برای وی در جامعه هنری و عامه مردم به وجود آورده است. به همین سان بسیاری از پوسترها و آثار خوشنویسی استاد امیرخانی به‌ویژه در سال‌های پایانی ده‌های هفتاد و هشتاد، قبل از آنکه شاهکارهای هنری و آثار منحصر بفردی باشند، در زیر سایه سنگین نام امیرخانی امتیاز یافته‌اند و به این معنی است که این آثار از آن جهت که کاتب آن‌ها امیرخانی است، مورد توجه قرار گرفته‌اند.

تیموری در پایان مقدمه‌اش بر این اثر گرانسنگ، ابراز امیدواری نموده که این کتاب - که از نظر وی به عنوان مدخلی برای مطالعات تحلیلی در هنر خوشنویسی به شمار می‌آید - مورد توجه و نقد اهل خط و خوشنویسان محقق قرار گیرد و علاقه‌مندان و صاحب‌نظران، راهنمایی‌های سودمند خود را در این باب به وی ارائه کنند.

بر همین اساس، صاحب این قلم - که از زمان نشر همان ویرایش نخستین این اثر به دنبال معرفی آن بود و به دلایلی توفیق آن را نیافته بود - با رؤیت این ویرایش جدید در لباسی فاخر و افزوده‌های فراوان، طاقت از دست داده و انجام این مهم را بر هر کار دیگری اولویت بخشید. و اینک علاوه بر آنچه به مدد نوشته‌های مؤلف گفته آمد، ضمن مقایسه‌ای میان دو چاپ پیشین و جدید، برخی از دیگر ویژگی‌های این اثر را برمی‌شمارد.

نخست اینکه در چاپ پیشین، جای شگفتی بسیار بود که ناشرش که از بودجه دولتی هم بهره‌مند است، جانب فرهنگ و انصاف را نگاه نداشته و کتابی چنین ارزشمند را با کاغذی ساده و معمولی و با کیفیتی نازل به چاپ رسانده بود. جالب اینکه در چاپ پیشین با همه ارزشمندی و گران‌سنگی این اثر، پس از اخذ مجوز انتشار از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و حتی چاپ شدن فریم‌ها، تنها به دلیل برخورد سلیقه‌ای با یک موضوع فرهنگی، این اثر نزدیک به دو سال در انبار انتشارات مذکور بایگانی بود، خاک می‌خورد و



منتشر نمی‌شد، و حتی در جریان یک دعوی بی‌پایه و اساس در آستانه خمیرشدن قرار گرفته بود، تا اینکه مسئله تا سطح معاونت وزارت فرهنگ و کمیسیون فرهنگی مجلس پیگیری شده و در نهایت با پادرمیانی و گره‌گشایی از سوی برخی مسئولین و نخبگان نجات یافت و بالاخره لباس نشر پوشید.

اما خوشبختانه در این بازبینی جدید و ویرایش و افزایش دوباره، ناشر خوش سلیقه و پویای آن یعنی «نشر آبان»، در سرعت عمل و حسن سلیقه کارستانی نموده و آن را ظرف مدت کوتاهی با بهترین کاغذ و یک طراحی قابل قبول و صحافی در خور به دست چاپ سپرده است.

نکته قابل ذکر بعدی، نامگذاری این دو ویرایش کتاب است که در چاپ نخستین با عنوان زندگی و آثار خوشنویسی غلامحسین امیرخانی منتشر شد، و در چاپ جدید با عنوان راز خط در آثار استاد غلامحسین امیرخانی. شاید این سؤال پیش بیاید که چرا در نامگذاری نخستین این اثر، نشانی از واژه «استاد» روی جلد یا شناسنامه این اثر در کنار نام چهره ماندگار هنر خوشنویسی ایران مشاهده نمی‌شود. همان‌گونه که همه دوستداران این هنر فاخر متوجه شده‌اند، خوشنویسی طرح روی جلد این کتاب به دست استاد امیرخانی صورت گرفته و آن‌گونه که اقتضای منش و روش ایشان است، از فروتنی و تواضع، چنین مصلحت دیده‌اند که واژه استاد را استفاده ننمایند. با این یادآوری که مقام استادی مرحله پایانی هنر نیست. امروزه ما نام بلند بزرگانی چون میرعماد حسنی یا میرزا غلامرضا اصفهانی یا عمادالکتاب سیفی را با پیشوند استاد به کار نمی‌بریم. حق هم همین است. چرا که برای هنرمندانی که شاخصه دوره‌ای از هنر خوشنویسی این سرزمین بوده‌اند، لفظ استاد به راستی کم است.

در خصوص عکس‌های روی جلد این دو چاپ نیز باید گفت با اولین نگاه به چاپ نخستین کتاب (زندگی و آثار خوشنویسی استاد غلامحسین امیرخانی) عکس هنری، رنگین و تا حدودی غمگین از استاد، توجه بیننده را به خود جلب می‌کند، اما نام عکاس در شناسنامه اثر دیده نمی‌شود. در جایی خواندم این عکس توسط استاد حیدر موسوی از شاگردان خود استاد و عضو جامعه خوشنویسی ایران گرفته شده و به گفته خود استاد امیرخانی، این عکس بهترین عکسی بوده که تا به حال از ایشان گرفته شده است. گویا این عکس در زمانی گرفته شده که فشار روحی زیادی به سبب بی‌نظمی‌های انجمن خوشنویسان بر استاد وارد شده و استاد را به اندیشه‌ای عمیق فرو برده بود.

اما عکس روی جلد کتاب در ویرایش دوم عکسی سیاه و سفید در زمینه مشکی با نواری طلایی رنگ در امتداد سر استاد است که برخلاف تصویر چاپ قبلی، چهره استاد به لبخندی زیبا مزین است و با وجود تکرنگ بودن، حس مثبتی را به بیننده منتقل می‌کند. نام عکاس این عکس، آقای فخرالدین فخرالدینی در شناسنامه این اثر آمده است. ضمن آنکه با وجود معمول نبودن، عکس دیگری از نیم‌رخ استاد در صفحه شناسنامه گنجانده شده و به این صفحه جان بیشتری داده است. همچنین سه عکس انفرادی دیگر در صفحه مربوط به سال شمار زندگی استاد گنجانده شده که در چاپ قبلی تنها یک عکس بود.

در خصوص کیفیت طراحی در این دو چاپ باید گفت در چاپ دوم به مراتب از فضای صفحات استفاده بهتری شده است. به عنوان مثال تا جای ممکن تصاویر درشت‌تر چاپ شده و طبیعتاً به نمونه‌های اصلی



نزدیک‌تر است. همچنین با چیدمان مستقیم‌تر تصاویر، بیننده ناچار نخواهد بود برای خواندن و لذت بردن از آنها همچون چاپ پیشین، مدام جهت کتاب را تغییر دهد.

در خصوص کیفیت چاپ‌ها هم برتری ویرایش جدید به پیشین آشکار است. البته کیفیت چاپ همه تصاویر یکی نیست و این احتمالاً به عکس‌های موجود در آرشیو جناب تیموری مربوط می‌شود. اما در مجموع طراحان صفحات و ویراستاران تصاویر در کتاب *راز خط* سعی داشته‌اند که حشو و زوائد را به ویژه در تصاویر سیاه و سفید بزدايند و تصویر منقح‌تری را عرضه کنند. به عنوان نمونه می‌توان تصویر خط استاد مربوط به دومین کنگره شعر و ادب و هنر را در دو چاپ پیشین (ص ۳۱) و چاپ نوین (ص ۴۵) مقایسه نمود. در عین حال معدود تصاویری در ویرایش پیشین از ویرایش نوین بهتر درآمده است، مثل کتابت متن نمونه آثار خوشنویسان و استادان بزرگ نستعلیق (در ویرایش پیشین ص ۱۲۱ و در ویرایش نوین ص ۱۲۷). باز از هوشمندی‌های نشر آبان در کار چاپ *راز خط* این است که سعی نموده حتی الامکان تصاویر صفحاتی را که ممکن بوده و از زیبایی اثر نمی‌کاسته، به صورت سیاه و سفید چاپ کند و قطعاً این تدبیر زیرکانه به تنوع صفحات کتاب و همچنین پایین آوردن هزینه نشر، کمک شایانی نموده است.

اندازه فونت حروف نیز در چاپ پیشین بزرگ‌تر و در چاپ نوین به میزان یک یا دو فونت کوچک‌تر است که اگرچه خواندن را قدری سخت می‌کند، اما چهره کتاب را حرفه‌ای‌تر نشان می‌دهد.

قطع کتاب نیز در این دو چاپ تغییر کرده است. قطع ویرایش پیشین رحلی کوچک و قطع ویرایش نوین رحلی بزرگ است که قدرت مانور بیشتری را برای طراح کتاب فراهم نموده است.

از دیگر تمایزات دو چاپ این که در ویرایش پیشین بخش مربوط به معرفی رسم‌المشق سال ۱۳۶۱ صفحات عیناً مطابق اصل منعکس گردیده، یعنی سرمشق‌ها و نکات تعلیمی و مفردات کنار هم آمده، اما در ویرایش نوین سرمشق‌ها یکجا، نکات تعلیمی یکجا، و مفردات هم یکجا درج شده است.

از دیگر تفاوت‌های دو چاپ در صفحه‌بندی کتاب حروف‌چینی تک‌ستونی در سرتاسر ویرایش پیشین و استفاده از دو شکل حروف‌چینی تک‌ستونی و دو ستونی به تناسب موقعیت در ویرایش نوین است، که تنوع بصری بیشتر و بهتری را فراهم نموده است.

از برجستگی‌های این هردو چاپ اشاره به منبع و مرجع تصاویر یا محل نگهداری اصل آثار است که معمولاً با درج تاریخ خلق اثر همراه است و در ارائه آنها ترتیب تاریخی مراعات شده است. معدود آثاری هم هستند که از این قاعده مستثنی شده‌اند و البته معمولاً حکم بر اعم و اغلب صورت می‌گیرد.

نکته دیگر اینکه کتاب *راز خط* از جهت استناد متنی بر چاپ پیشین برتری دارد، اگرچه فهرست پی‌نوشت‌هایش با فهرست منابع همواره همخوان نیست و نیازمند بازبینی و تکمیل است.

علاوه بر افزایش متن و تصویر در هر بخش از ویرایش نوین، بخش جدیدی نیز در این ویرایش به چشم می‌خورد و آن جشن‌نامه‌ای است که در آن تنی چند از شعرای معاصر از شهریار بزرگ تا این صاحب‌قلم کوچک، ارادتشان را به ساحت استاد امیرخانی ابراز داشته‌اند.